

### شناسان

دکتر محمد والدمن اهل اتریش در سال ۱۳۶۱ به دین نبیین اسلام مکتب اشنی عشری گزیده است. در همان سال به شوق فراگیری علوم و معارف اسلامی به ایران آمد و وارد حوزه علمیه قم شده و تا سال ۱۳۶۶ به صورت پیوسته در حوزه حضور داشته است. در سال ۱۳۶۹ وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) شد و در سال ۱۳۸۰ موفق به اخذ دانشنامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی گردید.

وی در حال حاضر مشغول به تحصیل در دوره دکتری در دانشکده تربیت مدرس قم در رشته قرآن و حدیث می‌باشد. ایشان در سالهای اخیر مقالاتی که عمدتاً به زبان آلمانی است تألیف کرده که در مرکز شیعیان اتریش انتشار یافته است. وی همچنین در کنار تهیه مقالات برای تأمین نیازهای شیعیان اتریش به ترجمه تفسیری، از فارسی به آلمانی مشغول است.

**چگونگی تنظیم رفتارها و روابط جنسی در غرب و کشورهای اسلامی**

**بر اساس مقایسه دو جامعه آلمان و اتریش با جامعه ایران**

دکتر محمد والدمن

«محقق حوزه و دانشگاه»



## مقدمه

آموزش و پرورش از جمله امور کلیدی هر جامعه به حساب می‌آید؛ همانگونه که از کلمه آموزش و پرورش برداشت می‌شود، معلمان محترم نه تنها در امر آموزش بلکه در امر پرورش فرزندان جامعه نیز نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. از جمله ابعادی که با پرورش کودکان و نوجوانان ارتباط مستقیم دارد، امور جنسی است. این امور در زندگی بشر بخصوص در رشد صحیح و یا غلط کودکان و نوجوانان از عوامل زیربنایی محسوب می‌گردد. اهمیت این امور به اندازه‌ای است که حتی استعمارگران جهان، از نوعی پرورش جنسی خاص، برای منحرف نمودن نسل جوان کشورهای در حال توسعه، استفاده می‌کنند و شاید عمده‌هجوم فرهنگی دشمن بر امور جنسی متمرکز باشد؛ به همین سبب لازم است، مسئولین محترم آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، به پرورش صحیح دانش‌آموزان سه دوره آموزشی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه توجه ویژه داشته باشند. اهمیت این امر بخصوص با توجه به گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطات جهانی از قبیل شبکه اینترنت، شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای، مجلات و غیره، نمایان می‌گردد.

بنابراین آموزش جنسی و آشنا نمودن دانش‌آموزان دوره‌های مختلف، جزء

برنامه‌های آموزش و پرورش کشور است. متأسفانه در کشورهای مختلف جهان، گاهی در زمینه آموزش جنسی، افراط و تفریط می‌شود که هر کدام از این دو، نوعی انحراف محسوب می‌گردد. در این مسیر آنچه بر عهده کارشناسان امور تربیتی آموزش و پرورش است، یافتن راه و روش صحیح متناسب با روح و روان کودکان هر مقطع سنی و مطابق با فرهنگ ایرانی است. برای یافتن این راه، قطعاً تجربیات زیادی - گاهی منفی و گاهی مثبت - پیش‌روی ما قرار دارد که کارشناسان، می‌توانند از هر کدام از این تجربیات به طور کامل و صحیح استفاده کنند؛ البته کاملاً واضح است که تجربیات کشورهای مختلف، گاهی راه درست و گاهی نیز راه غلط را نشان می‌دهد. استفاده‌ای که از راه درست می‌بریم روشن است؛ ولی در کنار آن، از راه غلط نیز می‌توانیم استفاده ارزشمند و مثبت ببریم. چون راه‌های غلط جوامع مختلف، تجربه‌ای است که عواقب پیمودن این راه‌ها را به ما نشان می‌دهد؛ در نتیجه با عبرت گرفتن از اشتباهات دیگر ملت‌ها، از قرنها پیمودن راه غلط، مصون خواهیم ماند.

اینجانب مسلماً قصد ارایه روش به مسئولین آموزش و پرورش کشور را ندارم، چون نه تخصص لازم و نه آشنایی کافی با فرهنگ جامعه ایران دارم. موضوع مد نظر ما در این مقاله ترسیم روش‌های کشورهای غربی در زمینه پرورش جنسی، همراه با تبیین عواقب، پیامدها و چالش‌های ناشی از اعمال آن روشهاست؛ البته روشن است که همه این امور، محدود به آموزش و پرورش کشورهای غربی نیست، بلکه شامل طیف زیادی از امور اجتماعی کشورهای غربی است. در پایان این مقاله نیز، سعی بر آن دارم چند نکته را در قالب توصیه جهت استفاده به کارشناسان امور تربیتی پیشنهاد کنم.

برای بهتر شناختن راه غرب لازم است، میان جوامع غربی و جوامع اسلامی مقایسه‌ای صورت گیرد. در این مسیر چون بررسی تمامی کشورهای غربی، عملاً غیرممکن بود، عمده تحقیق را به کشورهای آلمان و اتریش محدود نمودم؛ از طرفی در این مقایسه باید هم بعد اعتقادی، هم بعد حقوقی و اجرایی آنها مورد نقد و بررسی قرار گیرد؛ و الا چه بسا ممکن است، مکتبی در تئوری برای بعضی افراد بسیار زیبا جلوه

نماید، ولی در اجرا مانند مکتب کمونیسم بسیار ناکارآمد باشد. قبل از ورود به اصل بحث لازم به یادآوری است که اسلام، با اینکه تنها یک دین است، ولی تعالیم آن در برگیرنده همه ابعاد شخصی و اجتماعی انسان است؛ به همین سبب یکی از اهداف این مکتب حیات بخش، اصلاح ساختار جامعه است که تحقق این امر تنها به وسیله حکومت مردمی اسلامی میسر است.

نکته آخر اینکه مقاله حاضر خلاصه‌ای از یک تحقیق دوپست صفحه‌ای است. پرواضح است که تمامی مطالب این تحقیق در چارچوب مقاله یک نشریه نمی‌گنجد؛ به همین سبب، بسیاری از مطالب را خلاصه و برخی را نیز به ناچار حذف نمودم، لذا در برخی از بخش‌ها کاستی‌هایی مشهود است که امیدوارم خوانندگان گرامی این کاستی‌ها را به دیده اغماض بنگرند.



## تعریف موضوع

موضوع تحقیق به طور کلی، شامل سه بخش است که عبارتند از:

(۱) بررسی و مقایسه قوانین و مقررات حقوقی و احکام اخلاقی مسایل جنسی؛

(۲) بررسی و مقایسه قوانین و مقررات حقوقی و احکام در جوامع مورد نظر؛

(۳) پیامدهای اجرای این قوانین، مقررات و احکام، در جوامع مذکور.

مباحث این سه بخش در این تحقیق محدود به آموزه‌های «اسلام» و «غرب» است. به همین دلیل، سیر مباحث و ساختار آن به دو زیر مجموعه «اسلام» و «غرب» تقسیم شده است. با توجه به این محدوده، موضوع این تحقیق «**چگونگی تنظیم رفتارها و روابط جنسی در غرب و کشورهای اسلامی**» است.

## موانع و محدودیت‌های این پژوهش

روشن است، تحقیقی که بخواهد دو فرهنگ متفاوت را با هم مقایسه کند با مشکلات فراوانی مواجه خواهد بود. یکی از آن مشکلات، تفاوت در تنظیم امور هر کدام از این دو جامعه (جامعه اسلامی و جامعه غربی) در بعد جنسی است. به همین جهت در جوامع غربی، مسایل جنسی بسیار راحت و آزادانه مطرح و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد؛

ولی در جوامع اسلامی حیای اسلامی، مانع طرح اینگونه مطالب در هر موقعیت و در حضور هرکس می‌شود<sup>۱</sup>. این تفاوتها باعث می‌گردد، که افراد یک جامعه، نتوانند امور جامعه دیگر را به خوبی درک نمایند، زیرا آنها را بر اساس معیارها و ذهنیت فرهنگی ناشی از فرهنگ خود، ارزیابی می‌کنند. به علاوه، گاهی بازگو نمودن بعضی مسایل که در جامعه اول با کمال جرأت علناً مطرح می‌گردد، در جامعه دیگر، خلاف عرف، بلکه به نحوی بی‌ادبی محسوب می‌شود. این امر در بررسی چالشها و معضلات اجتماعی کشورهای غربی حایز اهمیت است، چون بیان تمام آنچه که در جوامع غربی در بعد جنسی می‌گذرد، از لحاظ حیای اسلامی مردود است و ممکن است، نوعی بدآموزی در بر داشته باشد و باعث ترویج فساد گردد. به همین خاطر، در بعضی مسایل، تنها به اشاره‌ای مختصر اکتفا می‌کنیم.

### تفاوت معیار فساد در جوامع غربی و اسلامی

یکی از مصادیق تفاوت معیار جوامع غربی و اسلامی، روابط دختر و پسر است. در کشورهای اسلامی، رابطه آزاد پسر و دختر، از مصادیق فساد است ولی همین امر در کشورهای غربی، نه تنها فساد محسوب نمی‌شود بلکه در عرف مردم، از ارزش اخلاقی مثبت نیز برخوردار است. عکس این مسأله هم وجود دارد. مثلاً اگر مردی در جوامع اسلامی با پیش از یک زن ازدواج کند فساد محسوب نمی‌شود ولی در کشورهای غربی، این امر از مصادیق فساد و جرم محسوب می‌گردد؛ این در حالی است که اگر کسی در کشورهای غربی، با چند زن، رابطه آزاد جنسی داشته باشد، نه جرمی را مرتکب شده و نه از مصادیق فساد محسوب می‌گردد. البته در این زمینه موارد مشترکی مانند تجاوز به زنان وجود دارد که هم در غرب و هم در اسلام «فساد» تلقی می‌شود.

۱. البته در عین اینکه حیای اسلامی، مانع از بیان مسایل جنسی به صورت علنی می‌شود فقهای اسلامی، مسایل شرعی مبتلا به جامعه را برای مردم بیان می‌کنند. به همین خاطر نمی‌توان گفت که مسایل جنسی در جوامع اسلامی به طور کلی در سطح جامعه مطرح نمی‌شود؛ اما آنچه مسلم است مطرح نمودن این مسایل، ضروری و موردنیاز جامعه است.

با توجه به این گونه تفاوت‌های معیاری، ممکن است در باب مقایسه بین جوامع غربی و جوامع اسلامی با مشکل مواجه شویم. به عنوان مثال ممکن است آمار به ما نشان دهد، که جرایم جنسی در جوامع غربی در حال کاهش است و ما از این واقعیت، دچار نتیجه‌گیری غلط شویم چون علت کاهش جرایم جنسی ممکن است، لغو بعضی ممنوعیتهای قانونی مانند لغو ممنوعیت ارتباط جنسی با جنس موافق باشد.

بدینسان ممکن است، بر اساس معیارهای جامعه اسلامی، فساد در کشورهای غربی در حال افزایش باشد، در صورتی که بر اساس معیارهای غربی، فساد در این کشورها رویه کاهش باشد. به همین دلیل لازم است، اولاً به معیارهای تلقی فساد در غرب توجه ویژه‌ای داشته باشیم و ثانیاً در ارزیابی‌های بعد، جهت انجام مقایسه دقیق، معیار واحدی را بکارگیریم.



## اهداف تحقیق

مهم‌ترین اهداف این تحقیق عبارتند از: *علوم اسلامی*

(۱) آسیب‌شناسی فرهنگی برای ارائه راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی و شناخت

نقاط آسیب‌پذیری در قلمرو مربوط به اخلاق جنسی؛

(۲) شناساندن گوشه‌ای از چالشهای فرهنگ غرب به مسلمانان؛

(۳) بالا بردن سطح شناخت نسبت به ریزه کاری‌های مربوط به اخلاق جنسی در

معارف اسلامی؛

(۴) ایجاد آگاهی و زمینه‌سازی برای تضارب فکری از طریق طرح مطالب جدید و

انجام مقایسه برای پی بردن به نقاط افتراق و تشابه دو فرهنگ اسلام و غرب.



## مفهوم غرب

کلمه «غرب»<sup>۱</sup> در لغت به معنی یکی از چهار جهت اصلی است و در اصطلاح دارای معانی مختلفی است. در این پژوهش غرب به معنی فرهنگ غربی و هرکجا از غرب سخن به میان می‌آید، غرب فرهنگی را اراده می‌کنیم. غرب به معنی فرهنگ غربی<sup>۲</sup>، یعنی فرهنگ خاصی که در بعضی کشورها حاکم است و این کشورها به لحاظ دارا بودن این فرهنگ، در زمره کشورهای غربی محسوب می‌شوند.<sup>۳</sup>

در بررسی دقیق دیدگاه‌ها و اظهار نظرهای دانشمندان غربی به این نتیجه می‌رسیم که فرهنگ غرب در ابعاد مختلف دارای ویژگی‌هایی به شرح ذیل است:

**(الف)** زیربنای فرهنگ غرب در بُعد شناخت و باورها، عبارتند از:

- ماتریالیسم یا مادی‌گرایی.

- تز جدایی دین از سیاست یا سکولاریسم.

- مکتب لذت‌گرایی عمومی یا منفعت عمومی (یوتیلیتاریسم).

**(ب)** اصول زیربنای فرهنگ غرب در بُعد ارزشها و گرایشها، عبارتند از:

- اصالت و ارزش دادن به امور مادی.

- گرایش به بی‌بندوباری و فساد اخلاقی.

- رهایی از قید کلیسا<sup>۴</sup> (دین) در باب مسایل اجتماعی.

- قداست زدایی.

- اصالت دادن به قدرت.

**(ج)** فرهنگ غرب در بخش رفتارها و کردارها، رواج دهنده رفتارها و کردارهای متناسب با اصول شناختی و ارزشی خود است. در بخش رفتارها و کردارها برای نمونه می‌توان به ویژگیهای زیر اشاره نمود:

- هدف رفتار و کردار مردم تأمین زندگی این جهانی است.

1. West.

2. Western Civilization.

۳. جلال آل احمد؛ غرب زدگی، ۱۳۴۱، ص ۲۲.

۴. چون عمده کشورهای غربی، مسیحی‌نشین می‌باشند، از کلیسا صحبت می‌شود ولی در اصل خود دین مراد است.

- در رفتار و کردار افراد، لذت و امور مادی از اصالت برخوردار است.
  - کلیسا عملاً در کارهای سیاسی دخالتی ندارد.
  - مردم در عمل گرفتار فساد و بی بندوباری هستند.
  - مردم جوامع غربی عملاً در راستای قدرت طلبی کشورهای خود فعالیت می کنند<sup>۱</sup>.
- با توجه به دیدگاهها و اصول مذکور فرهنگ غرب یک فرهنگ مادی است که در جهت هم رنگ ساختن فرهنگهای دیگر جوامع تلاش می کند و برای رسیدن به این هدف به فرهنگهای دیگر حمله ور می شود تا آنها را و عمدتاً ارزشهای معنوی آنان را از بین برده و اصول و ارزشهای غربی را جایگزین آن نماید.

### مبانی اخلاق جنسی در اسلام

با توجه به اینکه اصول زیربنایی اسلام در جامعه‌ای مانند ایران، نسبتاً واضح و روشن است، و محور تلاش این جانب تشریح اوضاع حاکم بر جوامع غربی است در این مقام نیز به کمال اختصار بسنده می کنم و تنها به بیان رئوس مطالب می پردازم که عبارتند از:

- نیازهای انسان بسیار گسترده اند و تنها در زندگی اجتماعی به طور کامل تأمین می شوند.

- خانواده، بهترین محیطی است که نیازهای انسان، از جمله، نیازهای جنسی او را تأمین می کند (گرایش به تشکیل خانواده به همین دلیل در انسان وجود دارد).

- غریزه انسان (غریزه جنسی)، با محدودیتهای فطری مواجه است.

- کمال و سعادت انسان، در رسیدن به خدا، یعنی قرب الهی است و افعالی که انسان را به خدا نزدیک می کنند، افعال خیر و افعالی که انسان را از خدا دور می کنند، افعال شر خوانده می شوند.

- این دیدگاه و زیربنای فکری، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور کامل انعکاس یافته است.<sup>۲</sup>

۱. ر.ک.: 1999, Lexikon der philosophischen Begriffe; Alexander Ulfig, 'Saekularisierung' مدخل: (سکولاریته کردن یا شدن) و 1999, Lexikon der philosophischen Begriffe; Alexander Ulfig, 'Aufklaerung' (دوران روشنفکری).  
 ۲. ر.ک.: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲، مواد ۱ تا ۶؛ اصل ۳، مواد ۱۲ و ۱۶؛ اصل ۴؛

## مبانی اخلاق جنسی در غرب

مبانی اخلاق جنسی در غرب، ریشه در جهان بینی حاکم بر آن دارد. مشترکاتی که در بعد فلسفی میان دیدگاه‌های متفکران غربی وجود دارد، عبارتند از:

- اعتقاد نداشتن به خداوند متعال (یا عدم اهمیت اعتقاد به خدا، در بعد اخلاقی).

- اصالت دادن به انسان.

«در فلسفه قرن بیستم تنها در موارد نادر به طور سیستماتیک با مفهوم «خدا» رویرو می‌شویم به طوری که می‌توان ادعا نمود که تصور «خدا» در فلسفه معاصر، تقریباً هیچ نقشی را ایفا نمی‌کند.<sup>۱</sup> این امر بیانگر مادی بودن و این جهانی بودن فرهنگ غرب است.

## کمال و سعادت انسان در دیدگاه غرب

فرهنگ غرب دارای جهان بینی مادی است که بر اساس آن، انسان موجودی مستقل از خدا، با عمری محدود و زندگی منحصر به دنیا است. بنابراین، مصداق سعادت انسانی هم، فراتر از این دنیا نیست. حداکثر چیزی که می‌توان در این زمینه ادعا نمود، این است که ممکن است بعضی افراد در غرب دارای مکتب التقاطی باشند. اعتقاد این افراد گرچه الهی است ولی اخلاقشان، التقاطی است و ایمان آنها، اثری در اخلاقشان ندارد. بنابراین حتی افرادی مانند **کانت**، که اعتقاد به خدا دارند، خدا و ایمان به خدا را در اخلاق، مؤثر نمی‌دانند.<sup>۲</sup> این زیربنای فکری فرهنگ غرب، در قوانین کشورهای غربی از جمله آلمان انعکاسی کامل یافته است.<sup>۳</sup>

اصل ۱۲؛ اصل ۲۱.

۱. Lexikon der philosophischen Begriffe; Alexander Ulfig, 1999, مدخل: God (خدا).

۲. Lexikon der philosophischen Begriffe; Alexander Ulfig, 1999, مدخل: Autonomie (خودمختاری، استقلال).

۳. قانون اساسی آلمان، ماده ۱ و ۲

## اخلاق جنسی در غرب؛ راهکارها و چالشها

### محدودیت‌های اجتماعی‌گرایانه جنسی از دیدگاه غرب

با تحولاتی که همزمان با رنسانس در جوامع غربی رخ داد، اخلاقی جنسی غرب هم دستخوش تغییر و تحول شد. این یکی از اصول فرهنگ غرب است که اخلاق نیز تابع رأی اکثریت مردم است. بر این اساس، مهم‌ترین اصولی که در حال حاضر در اخلاق جنسی در غرب حاکم است، عبارتند از:

الف) آزادی عشق و آمیزش جنسی از قید ازدواج<sup>۱</sup>.

ب) آزادی و نشر عکسهای جنسی<sup>۲</sup>.

ج) آزادی تمایل به همجنس<sup>۳</sup>.

د) آزادی سقط جنین<sup>۴</sup>.

گرچه در این اصول همواره از آزادی، سخن به میان آمد، ولی این بدین معنی نیست که همه محدودیتها را لغو کرده باشند، بلکه در کشورهای غربی، همواره محدودیت‌هایی در این زمینه وجود دارد. مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

یکی از دیگر مسائلی زیربنایی فرهنگ غرب، طلب آزادی بیان و مدارا<sup>۵</sup> در قبال نظرات دیگران است. اگر لوازم این دیدگاه را در نظر بگیریم، درمی‌یابیم که طبق این دیدگاه هیچ کس، حتی دین و مذهب، نمی‌تواند شناخت و ارزشهای اخلاقی خود را حق

۱. زناي افراد متأهل در سال ۱۹۶۹ در آلمان آزاد شد (LexiROM Version 2.0، مدخل: Ehebruch، اشکستن عهد ازدواج، یعنی زناي افراي متأهل).

۲. ماده ۱۸۴ قانون جزایی آلمان، فقط پرنوگرافی شدید را ممنوع می‌داند ولی پرنوگرافی خفیف، آزاد می‌باشد (ر.ک. ص. ۱۱۰، مبحث 'جرایم جنسی در غرب').

۳. ممنوعیت همجنس‌بازی در آلمان در سال ۱۹۹۴ برطرف شده است [LexiROM Version 2.0، مدخل: Homosexualitaet (همجنس‌بازی)].

۴. سقط جنین در آلمان تا هفته دوازدهم حاملگی مجازاتی را دنبال ندارد ولی از ممنوعیت قانونی برخوردار است، در اتریش تا ماه سوم حاملگی مجازاتی را دنبال ندارد [LexiROM Version 2.0، مدخل: Schwangerschaftsabbruch (سقط جنین)].

5. Tolerance

۶. LexiROM Version 2.0، مدخل: Aufklaerung (دوران یا نهضت روشن فکری).

مطلق معرفی کند، بلکه همه معرفتها و ارزشهای اخلاقی از اعتبار برخوردار بوده و مجبور به تحمل دیدگاه‌های دیگران است.<sup>۱</sup> در نتیجه هیچ ارزشی مطلق نیست، بلکه ارزشها تابع انتخاب و خواست اکثریت مردم است<sup>۲</sup> و به مرور زمان، تغییر می‌یابد.<sup>۳</sup> این دیدگاه، نمی‌تواند غیر از نسبی بودن اخلاق و ارزشهای اخلاقی و پلورالیزم اخلاقی، سفارشها و ارزشهای اخلاقی ثابتی را به دنبال داشته باشد. پس اگر فرض شود، اکثر مردم یک جامعه، خواستار معیارها و ارزشهای اخلاقی جدید باشند، معیارهای اخلاقی آن جامعه، تغییر می‌یابد.<sup>۴</sup>

بنابراین غرب، دنیا را هدف می‌داند و می‌خواهد سعادت انسان را در این دنیا حاصل کند؛ اما اسلام این دنیا را هدف نمی‌داند، بلکه وسیله‌ای برای حصول سعادت در جهان آخرت می‌داند. غرب، قانون‌گذار را خود انسان می‌داند و قوانین را صرفاً برای تنظیم امور دنیوی وضع نموده است؛ ولی اسلام قانون‌گذار را خدا می‌داند و قوانینی را که خداوند برای انسان وضع نموده، تأمین‌کننده مصالح حقیقی وجود انسان در بعد مادی و معنوی می‌داند.

### آیا غرب دارای نظام اخلاقی خاصی است؟

اگر بخواهیم وضعیت اخلاقی کشورهای غربی را بهتر درک نماییم، نیازمند شناخت مبانی اخلاقی این کشورها هستیم. یکی از سئوالات اساسی ما در این مبحث این است که کشورهای غربی دارای کدام نظام اخلاقی‌اند؟ یا بهتر بگوییم، آیا اساساً کشورهای غربی دارای نظام اخلاقی خاصی هستند یا خیر؟ و اگر دارای یک نظام اخلاقی خاص می‌باشند، آن نظام کدام است؟

۱. پلورالیزم اخلاق.

۲. Goetze: Rechtslexikon online؛ مدخل: Sittenwidrigkeit (خلاف عرف و اخلاق اجتماعی).

۳. نسبیت اخلاقی.

۴. طبق این دیدگاه، حتی اگر فرض شود (همانند ایران) مردم کشوری خواستار معیارهای اخلاقی اسلام باشند، باید این کار را صحیح بدانیم و بر اساس این دیدگاه نباید با آن مخالفتی داشته باشیم.

آنچه در این زمینه از منابع غربی به دست می‌آید، این است که غرب نمی‌تواند دارای نظام اخلاقی خاصی باشد، زیرا از یک سو، دین را از عرصه اجتماع جدا ساخته و از سوی دیگر هیچ ارزشی را مطلق نمی‌داند.<sup>۱</sup> در همین رابطه در مجله "Der Spiegel"، تحت عنوان «آلمانیها، ملتی بدون اخلاق» آمده است:

«در پایان هزاره<sup>۲</sup>، جامعه گرفتار بحران عمیق اخلاقی است. اتفاق نظر در اینکه خیر و شر چیست، در حال زوال است؛ در سیاست، رفاه اجتماعی تقریباً نقشی ندارد و در اقتصاد، منفعت شخصی عامل اصلی است»<sup>۳</sup>.

در ادامه، این مقاله به عرصه علوم اشاره نموده و از قول یک متخصص ژنتیک نقل می‌کند: «اخلاق باید تابع علوم<sup>۴</sup> باشد، نه برعکس». این مقاله به بررسی دیدگاه عموم مردم آلمان پرداخته و می‌افزاید: «انهدام تصور عمومی درباره مسایل شرم‌آور و اخلاقی، در جنگها و شوهای تلویزیونی که در برنامه‌های عصر شبکه‌های تلویزیونی پخش می‌شوند، قابل ملاحظه است... این گونه شوها از این تخیل زنده‌اند که بهتر است به جای اینکه نامشهور باقی بمانم با عیب و نقص خود مشهور شوم؛ بهتر است یک خوک (آدم ردیل) مشهور باشم تا انسانی اخلاقی اما صفر یعنی نامشهور»<sup>۵</sup>.

قابل توجه است که در هیچ یک از این اظهار نظرها، صحبت از نظام اخلاقی نیست تا دانشمندان غربی بر اساس آن، خیر و شر بودن اعمال را تعیین کنند، بلکه صحبت از «حیران ماندن» جوامع غربی است.

۱. ممکن است کسی نسبت ارزشهای اخلاقی و نظام اخلاقی سکولار را به عنوان نظام اخلاق در مغرب زمین مطرح کند که در این صورت هیچ دلیلی بر بطلان نظام اخلاقی اسلام نخواهند داشت، مگر این که مردم آن را نپذیرند؛ ولی اگر در جایی مردم تن به این نظام اخلاقی داده باشند، این نظام هم صحیح خواهد بود.

۲. مراد پایان قرن بیستم می‌باشد.

۳. C.Emcke & U.Schwarz، تحت عنوان: 'Die Deutschen - Volk ohne Moral?' (آلمانیها، ملتی بدون اخلاق)، Spiegel online، شماره: ۱۹۹۹/۱۵.

۴. مراد علوم تجربی است.

۵. C.Emcke & U.Schwarz، تحت عنوان: 'Die Deutschen - Volk ohne Moral?'، Spiegel online، شماره: ۱۹۹۹/۱۵.

همه مکاتب فلسفه اخلاقی، مانند مکتب هگل، کانت، فروید و غیره، از جمله مکاتب فلسفه اخلاقی غربند ولی هیچ کدام از این مکاتب «مکتب فلسفه اخلاق غرب» به عنوان تنها مکتبی که در غرب مطرح است، نمی‌باشند. به علاوه، هیچ کدام از این مکاتبها، نظام اخلاقی خاص خود را<sup>۱</sup> ارائه نداده، بلکه به بیان دیدگاههای فلسفی خود در بعد اخلاق بسنده نموده‌اند «نقطه مشترک بین همه این دیدگاهها این است که رفتار انسانی را به شرطی «اخلاقی» می‌دانند که خود انسان، هدف و قانون اعمال خویش را تعیین کند و خیر را مد نظر داشته باشد»<sup>۲</sup>

بنابراین در غرب نظام اخلاقی بدین معنی مطرح نیست، بلکه خیر و شر تابع نظر و رأی اکثریت مردم<sup>۳</sup> بوده و با تغییر آن، قابل تغییر است. از این لحاظ نظام اخلاقی غرب شبیه امری است که در جوامع اسلامی به عنوان «عرف حاکم بر جامعه» یا «عرف عمومی» مطرح می‌باشد. در همین زمینه بعضی دانشمندان غربی عقیده دارند که اتفاق نظر درباره خوب و بد اخلاقی در جوامع غربی، در حال زوال است<sup>۴</sup>. این مطلب بدین معناست که تنظیم مسایل جنسی در غرب، صرفاً دارای جنبه حقوقی و عرفی است و فاقد جنبه اخلاقی مشابه جوامع اسلامی است؛ به همین خاطر در بررسی اخلاق جنسی غرب، ناچار به بررسی احکام و مقررات حقوقی هستیم.

### مسایل مربوط به ازدواج و طلاق در غرب

چون این مسایل در جوامع اسلامی کمتر شناخته شده است، به تفصیل به تبیین آنها می‌پردازم تا دورنمای بهتری برای خوانندگان حاصل گردد.

۱. نظامی که تک تک افعال انسانی را همانند اخلاق اسلام به خیر و شر تقسیم کند.

۲. Kiwatowski, G. و دیگران، Meyers Kleines Lexikon philosophie, 1987, مدخل: Sittlichkeit (اخلاقی بودن).

۳. Goetze : Rechtslexikon online, مدخل: Sittenwidrigkeit (خلاف عرف و اخلاق اجتماعی).

۴. C.Emcke & U.schwarz, تحت عنوان: 'Die Deutschen - Volk ohne Moral?' (آلمانیها، ملتی بدون

ارزش ازدواج در غرب<sup>۱</sup>

به طور کلی می‌توان گفت که ازدواج در غرب تنها به عنوان ابزار تشکیل سلول اساسی جامعه از اهمیت برخوردار است. ولی اگر فرض شود که ارزشهای اخلاقی جوامع غربی تغییر کند و سلول اساسی تشکیل دهنده جامعه، زندگی مشترک آزاد (بدون ازدواج) باشد، دیگر از چنین اهمیتی برخوردار نخواهد بود. این مسأله در اصل ششم قانون اساسی آلمان این‌گونه بیان شده است:

«ازدواج و خانواده از حمایت‌های ویژه نظام حکومتی برخوردار است... قانون‌گذار موظف است، برای فرزندان که خارج از قانون ازدواج به وجود آمده‌اند<sup>۲</sup> از لحاظ رشد جسمانی، روحی و عزت اجتماعی، همان شرایطی را فراهم کند که برای فرزندان به وجود آمده در قانون ازدواج فراهم می‌باشد.»<sup>۳</sup> به همین دلیل، و با توجه به سستی باورهای دینی در جامعه مسیحیان، می‌توان گفت که امروزه ازدواج در غرب از قداست خاصی برخوردار نیست، بلکه تنها قراردادی بین زن و شوهر است.

در همین رابطه نیز باید به این نکته اشاره نمایم که ازدواج در غرب، شرط مجاز بودن آمیزش جنسی نیست، بلکه بسیاری از افراد، خارج از این چارچوب نیز دارای چنین روابطی هستند و این فساد اخلاقی، حتی از پشتیبانی حقوقی نیز برخوردار است. بر همین مبنا از سال ۱۹۶۹ آمیزش جنسی زن و مرد متأهل خارج از چارچوب ازدواج<sup>۴</sup> (به تعبیر ما مسلمانان، زنا) مرد محصن و زن محصنه) و لواط در آلمان آزاد شد در حالی که ازدواج چند همسری ممنوع شد؛ به علاوه زندگی مشترک زن و مرد به صورت آزاد هم مجاز شمرده شد.<sup>۵</sup>

بنابراین، برداشت و مفهومی که مردم کشورهای غربی از ازدواج دارند، با برداشت مفهومی که ما مسلمانان از ازدواج داریم، متفاوت است. در غرب ازدواج تنها در صورتی

۱. همان‌گونه که قبلاً گفته شد، مراد از غرب در این تحقیق دو کشور اتریش و آلمان می‌باشد.

۲. طبق دیدگاه اسلام، فرزندان غیر مشروع.

۳. اصل ششم، پاراگراف اول و پنجم قانون اساسی آلمان.

۴. LexiROM Version 2.0، مدخل: 'Ehebruch' (زنا) محصن).

۵. همان، مدخل: 'eheähnliche Gemeinschaft' (زندگی مشترک، ازدواج مانند).



شکل می‌گیرد که زن و مرد، بعد از اینکه مدتی همدیگر را شناختند و با هم بودند، احساس کنند که همدیگر را خیلی دوست دارند و بخواهند نسبت به همدیگر وفادار باشند. البته افرادی هم هستند که قصد وفاداری هم ندارند، ولی با این وجود با همدیگر ازدواج می‌کنند.

### آیا غرب سفارش‌های اخلاقی برای خانواده دارد؟

همانگونه که بیان شد، در غرب، نظام و ارزشهای اخلاقی ثابتی مطرح نیست بلکه خیر و شر تابع نظر و رأی اکثریت مردم و به مرور زمان، قابل تغییر است<sup>۱</sup> و بعد اخلاقی و به تبع آن، اخلاق جنسی وابسته به «عرف حاکم بر جامعه» یا «عرف عمومی» است اما در عین حال در کشورهای غربی، سفارش‌های اخلاقی هم وجود دارد. البته این سفارش‌های غرب در مقابل آنچه که در اسلام وجود دارد، بسیار کم و ناچیز است.

علاوه بر اینگونه سفارش‌ها، در کشورهای غربی نوعی تربیت اخلاقی در زمینه روابط جنسی تحت عنوان «تربیت جنسی»<sup>۲</sup> نیز وجود دارد. «تربیت جنسی» عنوان درسی است که از سال ۱۹۶۸ میلادی به بعد، جزء دروس اصلی مدارس آلمان می‌باشد. شاگردان در این درس از سن چهارده سالگی با روابط و مسایل جنسی آشنا می‌شوند و نسبت به احساس ارزشها، توانایی تصمیم‌گیری اخلاقی و یادگیری اصطلاحات در بعد جنسی، تعلیم می‌بینند. این درس منوط به موافقت والدین نیست، بلکه به صورت اجباری برای عموم شاگردان<sup>۳</sup> تدریس می‌شود.<sup>۴</sup>

اینگونه سفارشها بیشتر جنبه پزشکی و روان‌شناختی دارد و با سفارش‌های اخلاقی اسلام، به هیچ وجه قابل مقایسه نیست و اگر هم اینگونه سفارشها را اخلاقی ارزیابی کنیم، باید سؤال کرد که غرب چه عاملی را می‌تواند به عنوان ضمانت اجرایی احکام و

۱. Goetze: Rechtslexikon online، مدخل: Sittenwidrigkeit (خلاف عرف و اخلاق اجتماعی).

2. Sexuality education, sex education

۳. در سنین مختلف این کار به صورتهای متفاوت آموزش داده می‌شود، تا جایی که در سنین بالا شاگردان (دختر و پسر) باید عمل آمیزش را به صورت اشاره‌ای در کلاس انجام دهند.

۴. LexiROM Version 2.0، مدخل: 'Sexualerziehung' (تربیت جنسی).

سفارشهای اخلاقی معرفی کند؟ به علاوه، بخش اخلاقی کشورهای غربی از بخش حقوقی آنها جداست، به همین خاطر این سفارشها از پشتیبانی حقوقی برخوردار نیست. یک حقوقدان آلمانی در این زمینه می‌گوید:

«بدون شک، طبق ارزشهای اخلاقی حاکم [در آلمان]، ممنوعیت متون پرنوگرافیک و غیره، منفعتی اجتماعی در بر دارد و ممکن است انسانها بدون پرنوگرافی خوشبخت‌تر باشند. ولی تنها سؤال این است که آیا قانون جزایی وسیله‌ای مناسب و کارا برای رسیدن به این اهداف هست یا خیر؟ و قبل از همه باید سؤال شود که آیا واداشتن مردم به اعمال اخلاقی ارزشمند، برای خوشبخت‌تر نمودن آنان، می‌تواند هدفی مشروع برای قانون جزایی باشد؟ مطرح نمودن این سؤال به معنی نفی آن است. دولت ما مؤسسه اخلاقی نیست که مجاز به استفاده از الزامات قانونی جهت تربیت اخلاقی شهروندان باشد. تنها، جایی که رفتاری به عنوان تهدید و یا تجاوز از قانون، ظاهر می‌شود، نقطه آغاز مشروعیت قانون جزایی است»<sup>۱</sup>.

بر این اساس ارزشهای اخلاقی موجود در غرب، فاقد پشتیبانی حقوقی است و با قوانین حقوقی پیوند نخورده است. این مسأله بدین معناست که در مبحث اخلاق جنسی غرب، عمدتاً باید قوانین و مقررات حقوقی آن را بررسی کنیم.

بنابراین به طور خلاصه می‌توان استنباط نمود که ازدواج در جوامع غربی مهمترین راه برای کنترل روابط و رفتارهای جنسی نیست و چون نظام اخلاقی غرب، تابع دیدگاه عامه مردم است، این مسأله تنها از نظر اجتماعی مهم است و گرنه ارزش اخلاقی خاصی ندارد.

### پیامدهای اجتماعی احکام حقوقی و اخلاق جنسی در غرب

در این مبحث تنها مختصراً به بررسی پیامدهای اجتماعی احکام حقوقی و اخلاق جنسی در غرب می‌پردازیم؛ چون بررسی دقیق اوضاع اجتماعی ایران، پژوهشهای عمیق

۱) Zum geltenden Strafrecht: Zur Legitimitart von 131 und 184 StGB., H.J. Rudolphi, قانون حاکم: درباره مشروعیت دو ماده ۱۳۱ و ۱۸۴ قانون جزایی آلمان. در Frauen und Maenner, 1990. und pornographie, ص ۱۷۳.

متخصصان ایرانی را می‌طلبند، تا بر اساس آن بتوان مقایسه‌ای بین دو جامعه انجام داد. گرچه به گمان من با بیان و تشریح اوضاع حاکم بر جوامع غربی، این مقایسه کار چندان مشکلی نیست.

### اوضاع اجتماعی جوامع غربی

گرچه این جانب، نگارنده این مقاله اهل اتریش بوده و از اوضاع اتریش و آلمان آگاهی بیشتری دارم، اما در یک نگاه کلی می‌توان گفت که یکی از مشکلات کنونی جوامع غربی، وجود خلأ در روابط عاطفی است. به علاوه، زندگی زناشویی، اساس زندگی مشترک زن و مرد را تشکیل نمی‌دهد، بلکه بسیاری از خانواده‌ها به صورت تک‌والدی<sup>۱</sup> اداره می‌شوند. مثلاً در سال ۱۹۹۵ در اتریش ۱۳/۵٪ کل خانواده‌های اتریش، به صورت تک‌والدی و ۸۶/۵٪ آنها با هر دوتن از والدین اداره می‌شد<sup>۲</sup>. این آمار بیانگر آن است که در غرب اهمیت خانواده و تشکیل زندگی خانوادگی بسیار کم است<sup>۳</sup>. از طرف دیگر مفاهیم اخلاقی مانند «حیا»، «عفت»، «غیرت»، «تقوی» و «بکارت» دیگر دارای ارزش مثبت اخلاقی نیستند و برای بسیاری از مفاهیم مانند «ناموس» و «غیرت» در زبانهای غربی مانند زبان آلمانی، معادلی وجود ندارد. بررسی دقیق‌تر اوضاع و معضلات اجتماعی غرب، همچنین بررسی اعمال مجاز و غیرمجاز در قوانین جاری غرب، شناخت خوبی در این باره به ما ارایه می‌دهد.

### معضلات اجتماعی جوامع غرب در بُعد مسایل جنسی

البته در اینکه چه چیزی معضل است و چه چیزی معضل نیست، دیدگاه ما مسلمانان با دیدگاه غربیها متفاوت است. ما وجود دختران فراری و ارتباط آزاد پسرها با دخترها در

۱. پدر و مادر از هم جدا زندگی می‌کنند و تنها یکی از والدین مسئولیت فرزندداری را به عهده دارد.  
۲. Baratta, M. von و دیگران، 1996 Der Fischer Weltalmanach (سالنامه جهانی فیشر ۱۹۹۶)، ۱۹۹۵، ص ۵۱۳.

پارکهای عمومی را به عنوان معضل تلقی می‌کنیم، در صورتی که این مسایل، در بسیاری از جوامع غربی، مثبت تلقی می‌شود؛ به همین خاطر، اگر بعضی جاها مسایلی را به عنوان معضلات اجتماعی غرب، مطرح می‌کنیم، لزوماً به این معنی نیست که خود غرب هم این مسایل را معضل می‌داند.

### پرنوگرافی در غرب

یکی از معضلات اجتماعی جوامع غربی رواج پرنوگرافی و اشتغال گروه کثیری به این کار است. بازار این گونه تولیدات امروزه در غرب از رونق خوبی برخوردار است و در حال حاضر به عنوان یکی از شاخه‌های اقتصادی پر درآمد کشورهای غربی مطرح است؛ تا حدی که افرادی که در پخش پرنوگرافی به طور مستقیم اشتغال دارند، حدود ده هزار نفرند.<sup>۱</sup> تخمین زده می‌شود اگر پرنوگرافی در آلمان ممنوع گردد، حدوداً ۹۰٪ کل ویدئوکلپهای این کشور، تعطیل خواهند شد.<sup>۲</sup> درآمد مالیاتی دولت از این امر، به بیش از ۳۵۰ میلیون مارک تخمین زده می‌شود.<sup>۳</sup> رسانه‌های گروهی غرب، با پخش این فیلم‌ها و تصاویر مبتذل، دیدگاه خاصی را به اذهان کودکان و نوجوانان القا می‌کنند و با این تلقینها، عملاً جلو رشد آزادانه آنان را می‌گیرند.<sup>۴</sup>

رواج پدیده پرنوگرافی در غرب، خود منشاء بسیاری از معضلات دیگر است که در این بحث به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱. Erotische und pornographische Videofilme: eine Marktueb. (فیلمهای شهوت‌انگیز و پرنورافیک: دورنمایی از بازار)، در: Frauen und Maenner und Pornographie, 1990, ص ۹۰-۹۲.

۲. Bedarf, Beduerfnis, Befriedigung, B.Uhse. (تقاضا، نیاز، ارضاء)، در: Pornographie Frauen, 1990, Maenner und ۹۹, ص ۹۹.

۳. K.E.Heinig: Frauen und Maenner und pornographie, P.90-92, 1990.

۴. Haftung Pornographie - Kunstzensur - Medien oder ueber eine pornographische Gesellschaft.

(پرنوگرافی - سانسور هنر - رسانه‌های گروهی یا درباره یک جامعه mit beschaenakter, G.Breitling

پرنوگرافیک با ضمانت محدود)، در: Frauen und Maenner und pornographie, 1990, ص ۸۷.

## تجاوز به زنان در غرب

یکی از معضلات ناشی از ترویج پرنوگرافی شیوع پدیده تجاوز به زنان است، اگرچه بعضی افراد تصور می‌کنند که هرچه در بعد جنسی، آزادی بیشتری حاکم باشد، کنجکاوی و رغبت انسان نسبت به این مسایل کمتر می‌شود؛ اما تحقیقات انجام شده در غرب، خلاف آن را نشان می‌دهد. پژوهشی از دانشگاه پتسدام آلمان (Universitaet Potsdam) نشان داد که از ۳۰۰ دختر ۱۷ الی ۲۰ ساله‌ای که مورد سؤال قرار گرفته‌اند، ۲۵٪ لااقل یک‌بار مورد تجاوز و یا تعرض جنسی قرار گرفته‌اند. از ۲۵۰ پسری که مورد سؤال قرار گرفته‌اند، ۳۲٪ اقرار کردند که به طور هدف‌دار، از مشروبات الکلی و یا مواد مخدر یا مست‌کننده استفاده کرده‌اند تا به اهداف جنسی خود برسند.<sup>۱</sup>

در جایی دیگر می‌خوانیم: «این‌که گاهی زن جوانی در مترو مورد تعرض قرار می‌گیرد، و به او [جهت التذاد جنسی] دست می‌زنند، و متلک می‌پرانند، اطرافیان همه نگاه می‌کنند و هیچ‌کسی کمک نمی‌کند، یک اتفاق معمولی در شهرهای بزرگ آلمان است.»<sup>۲</sup>

در بخش دیگری از این پژوهش آمده است: «طبق تحقیقی از وزارت کشور انگلیس که در لندن منتشر شد، در این کشور سالانه تا ۲۹۵۰۰۰ زن، قربانی تجاوز جنسی یا سوء استفاده جنسی می‌شوند. که از این تعداد تنها در ۶۰۰۰ مورد شکایت قانونی وارد می‌شود. طبق این تحقیق، تعداد زنانی که قربانی سوء استفاده توسط پدران و شوهران می‌شوند، در حال افزایش روزافزون است.»<sup>۳</sup>

۱. D: Marszk تحت عنوان: Studie: Sexuelle Gewalt auch unter Jugendlichen verbreitet - Jede mindestens einmal Opfer einer vierte Frau Vergewaltigung (پژوهش: خشونت جنسی میان جوانان نیز شیوع دارد - از هر چهار زن، یکی لااقل یک بار مورد تجاوز قرار می‌گیرد). 16/12/2000, pressetext.austria

۲. D: Marszk تحت عنوان: Viele sehen zu, aber niemand greift helfend ein - Kriminologen untersuchen das «Keiner - hilft - phänomen» (تعداد زیادی نگاه می‌کنند، ولی هیچ‌کدام کمک‌رسانی نمی‌کند - متخصصین امور جنایی، پدیده «هیچ‌کسی کمک نمی‌کند» را مورد بررسی قرار می‌دهند). 1/8/1998, pressetext.austria

۳. بی‌نام؛ تحت عنوان: London: Sexueller Missbrauch nimmt zu (لندن: سوء استفاده جنسی در حال افزایش می‌باشد). 19/2/2000, Das presse - online Archiv

آمار نشان می‌دهد، در اتریش از هر شش دختر بچه، یک نفر مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرد که ۹۰٪ این موارد در «محیط امن خانواده» انجام می‌گیرد. در ژاپن حدود ۷۵٪ زنان، ابراز می‌کنند که مورد تعرض جنسی واقع شده‌اند و در ایالات متحده آمریکا حدود ۵۰٪ زنان چنین احساسی دارند.

### افزایش آمار طلاق نسبت به ازدواج

از جمله دیگر معضلات دامنگیر غرب که خود ناشی از رواج پرنوگرافی است، افزایش آمار طلاق نسبت به ازدواج است، به عنوان نمونه آمار رسمی اتریش نشان می‌دهد که بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۱ تعداد طلاقها در این کشور از نرخ ۱۰۰۰۰ به ۲۰۵۸۲ طلاق در سال افزایش یافته است.<sup>۱</sup> بر این اساس، در اتریش حدود ۶۰٪ کلیه ازدواجها به طلاق کشیده می‌شود.<sup>۲</sup>

در این باره لازم است به این نکته اشاره نمایم، افرادی که در غرب با هم ازدواج می‌کنند، معمولاً قبل از ازدواج همدیگر را چند سال می‌شناسند و با هم زندگی می‌کنند و بعد از آن که دیدند واقعاً همدیگر را دوست دارند و می‌توانند و می‌خواهند با هم زندگی کنند، ازدواج می‌کنند؛ با این وجود میزان طلاق تا این اندازه بالاست. به علاوه همانگونه که قبلاً بیان نمودیم، ۳۰٪ افرادی که ازدواج می‌کنند، قبل از ازدواج با چند نفر ارتباط جنسی داشته‌اند و بعد از مدتی از هم جدا شده‌اند؛ اگر این رقم را نیز به آمار جدانشدگان اضافه کنیم، آمار سرسام آوری به دست خواهد آمد. این روند در آلمان نیز مشابه اتریش است. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که معضل سست شدن پیمان زناشویی مبتلا به تمام کشورهای غربی است.<sup>۳</sup>

۱. سازمان آمار اتریش [STATISTIK AUSTRIA]، بر اساس آخرین اطلاعات تا ۹ مرداد ۱۳۸۱.

۲. بر اساس میانگین آمار ازدواجها در اتریش، حدود ۴۶٪ کلیه ازدواجها به طلاق کشیده می‌شود [STATISTIK AUSTRIA].

۳. بی‌نام؛ تحت عنوان: (1) Fuer eine Demokratisierung der Familie, Der Standard Online, Die Revolution der Beziehungen.



از این نمودار معلوم می‌گردد که در سال (۲۰۰۱)، نرخ طلاق به بیش از ۶۰٪ کلیه ازدواجها رسید.

### رواج فحشا در غرب

همان گونه که بیان شد، فحشاگری در کشورهای غربی مجاز است<sup>۱</sup> و اگر هم در بعضی موارد منعی برای این کار باشد، به معنی محدود نمودن آن در بعضی محلها و یا ساختمانها است. این عارضه موضوعی ساده نیست، بلکه به طور گسترده بر جامعه تأثیر می‌گذارد. در مقاله‌ای در یکی از روزنامه‌های اتریشی بیان شده که بسیاری از مسئولین وزارت کشور اتریش در فحشاخانه‌ها رفت و آمد دارند و به طور رایگان از امکانات آنجا استفاده می‌کنند.<sup>۲</sup> حتی حزب سبز اتریش خواستار آن است که فحشاگری به عنوان یک

۱. در کشورهایی مانند سوئد فحشاگری ممنوع نیست، ولی استفاده از آن ممنوع می‌باشد به این معنی که عرضه مجاز، ولی خرید ممنوع است.

۲. بی‌نام؛ تحت عنوان: Zwei Ex - Beamte des innenministeriums vor Gericht (دوتن از کارمندان اسبق وزارت کشور محاکمه می‌شوند)، 3/7/1998, Das presse - Online Archiv.

شغل عادی، رسمیت یابد.<sup>۱</sup> در جمهوری چک اداره کار به اندازه‌ای پیش‌رفته که به زنان جویای کار، آدرس فحشاخانه‌ها را می‌دهد تا با بیکاری مبارزه کند.<sup>۲</sup> کشور بلژیک نیز، فحشاگری را به عنوان اولین کشور اروپایی در سال ۲۰۰۰، به عنوان یک شغل به رسمیت شناخت. بدین سان در این کشور فرقی بین یک کارمند و یک فاحشه وجود ندارد! در زمینه پیامدهای نامطلوب این امر در پژوهشی آمده است:

«تجارت دختران به طور فاجعه‌بار توسعه یافته است. شلوگل وزیر کشور اتریش در سخنرانی خود در جلسه افتتاحیه گردهمایی دو روزه پلیس بین‌الملل که در همین زمینه در وین افتتاح کرد، ارقام نگران‌کننده‌ای را ذکر کرده و می‌گوید: «سالانه تا ۲۰۰/۰۰۰ زن، از کشورهای اروپای شرقی به اروپای غربی برده می‌شوند. به اکثر این افراد وعده آینده درخشان به عنوان مدل<sup>۳</sup> داده می‌شود؛ ولی وقتی به کشورهای غربی رسیدند، استثمار شده و به فحشا واداشته می‌شوند. اتریش به لحاظ موقعیت جغرافیایی خود، یکی از محورهای تجارت زنان، از اروپای شرقی است...»<sup>۴</sup> ممکن است کسی تصور کند که بالاخره سهمی از سود این تجارت به آن زنان بیچاره می‌رسد، در صورتی که از محتوای پژوهش‌ها چنین برمی‌آید که این درآمد ناچیز هم از آنها پس گرفته می‌شود و به بسیاری از آنان مواد مخدر تزریق می‌شود تا ساکت بمانند.»<sup>۵</sup>

۱. بی‌نام؛ تحت عنوان: Gruene: Soziale Absicherung fuer Prostituierte (حزب سبز: تأمین اجتماعی برای فاحشه‌ها)، 4/12/1998, Das presse - online Archiv.

۲. H.J.Schmidt, تحت عنوان: Vom Arbeitsamt direkt ins Freudenhaus (از اداره کار مستقیم به سوی فحشاخانه)، 14/3/1998, Das presse-online Archiv.

### 3. Model

۴. بی‌نام؛ تحت عنوان: Maedchenhandel Weitet sich dramatisch aus (تجارت دختران [خرید و فروش آنان] به طور فاجعه‌انگیز در حال گسترش است)، 21/10/1998, Das presse-online Archiv.

۵. C.Lagler تحت عنوان: Kampf gegen und Prostitution: Erfolg der Salzburger polizei (مبارزه با مواد مخدر و فحشاگری [غیرمجاز]: موفقیت پلیس شهر سالزبورگ)، 29/3/2000, Das presse-online Archiv.



## استعمار جنسی در غرب

مراد از استعمار جنسی در این مبحث این است که مردان از موقعیتهای اجتماعی و شغلی خود، جهت برقراری ارتباط جنسی با زنان، سوء استفاده می‌کنند. این کار در کارخانه‌ها، اداره‌ها، دانشگاه‌ها و مطب‌های پزشکان و روانپزشکان، توسط کارفرمایان، رؤسا، اساتید، پزشکان و روانپزشکان انجام می‌گیرد. طبق ارزیابی متخصصین غربی این نوع سوء استفاده جنسی در غرب، شیوع خاصی دارد. در مقاله‌ای در این زمینه آمده است:

«... تحقیقات مختلفی درباره روابط جنسی در دانشگاهها با نتایج مشابه، نشان داده که بین ۲۰٪ الی ۳۰٪ دانشجویان دختر، مورد مقاربت جویی جنسی اساتید دانشگاهی خود قرار گرفته‌اند. در گزارشات جدیدتری آمده که ۷۰٪ دانشجویان دختر در یکی از رشته‌های تحصیلی در حین تحصیلات خویش با اساتید خود مقاربت جنسی داشته و ۳۰٪ دیگر نیز، مقاربت جویی جنسی نامطلوب اساتید را دفع کرده‌اند. همکاری به من گفت، در دانشکده‌ای که در آن تحصیل کرده است، این یک راز علنی<sup>۱</sup> و کاملاً جاافتاده بود که هر دانشجوی دختری که می‌خواست، پایان‌نامه خود را ارائه دهد، با استاد راهنمای خود مقاربت جنسی داشته است. با این حال کسی گزارشی از آن ارائه نداده است.»<sup>۲</sup>

در میان پزشکان و روانپزشکان آمریکایی هم میزان استعمار جنسی بالاست به طوری که بین ۶ تا ۱۰ درصد روانشناسان و حدود ۱۳٪ پزشکان با بیماران زن رابطه جنسی دارند.<sup>۳</sup> این مسایل در آلمان هم مطرح است و تخمین زده می‌شود که میزان آن به همان اندازه باشد.<sup>۴</sup>

۱. یعنی مسأله‌ای است که همه از آن آگاهی دارند ولی هیچ‌کسی درباره آن صحبت نمی‌کند.

۲. P.Rutter; Verbotene Naeh, 1991, P.46.

۳. 1991, Verbotene Naeh; P.Rutter, ص ۴۸ (به نقل از [American Journal of Psychiatry '1986]).

۴. Die Wiederkehr des Verdrängten: Maenner und Macht, il.Vogt (بازگشت آن مسأله سرکوب شده: مردها و قدرت). در: Verbotene Naeh, 1991, ص ۲۵۰.

## رواج همجنس‌بازی

این عمل بسیار کریه تا سال ۱۹۹۴ در آلمان به نحوی ممنوع بوده است؛ ولی از آن تاریخ به بعد آزاد شد.<sup>۱</sup> در اتریش هم مسأله، شبیه آلمان است و همجنس‌بازی در حال حاضر آزاد است. از لحاظ عرف عموم مردم باید گفت این مسأله تا ابتدای دهه ۸۰ میلادی مطرود بوده است و کسانی که گرفتار آن بودند بسیار کم و در جامعه منزوی بوده‌اند. از آن تاریخ به بعد این مسأله پیوسته مطرح شده و امروزه به جایی رسیده که نه تنها آزاد، بلکه دارای ارزش مثبت اخلاقی هم شده است و افرادی که گرفتار این مسأله هستند با افتخار به آن اعتراف می‌کنند. در سال ۱۹۹۲ میزان افرادی که در اتریش گرفتار این انحراف اخلاقی بوده‌اند، ۶/۲٪ میان مردان و ۹/۶٪ میان زنان برآورد شده است.<sup>۲</sup>

مطالب مذکور کلیاتی در زمینه چالش‌های کشورهای غربی، در بُعد اخلاقی جنسی است که اکثر موارد آن توسط خود دانشمندان غربی به عنوان "معضل" مطرح شده‌است.

## جمع‌بندی

در جمع‌بندی این مبحث با ارزیابی اوضاع جوامع غربی و اسلامی و تطبیق آزادی جنسی بر اوضاع حاکم در این جوامع، نتایج زیر حاصل می‌شود:

- ۱- مفاسد و معضلات اجتماعی در کشورهای اسلامی به مراتب کمتر از کشورهای غربی است؛<sup>۳</sup>
- ۲- آزادی‌های واقعی در کشورهای اسلامی با در نظر گرفتن تفاوت جهان‌بینی، نظام

۱. Homosexualität: مدخل: ۹/۶/۱۹۹۵، Lexitrom Version 2.0.

۲. G.S & W. Hoffmann; Osterreich INTIM, 1993, P.268-269

۳. معضلات اجتماعی ایران به طور کلی عبارت است از: دختران فراری، افزایش آمار طلاق (حدود ۲۵٪ کل ازدواجها) و وجود ایدز؛ معضلات اجتماعی آلمان و اتریش عبارت است از: سوءاستفاده جنسی از دختران (بیش از ۶۱٪ دختران در اتریش مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند)، همجنس‌بازی (حدود ۷٪ مردم اتریش احساسات همجنس‌بازانه دارند)، افزایش آمار طلاق (در اتریش حدود ۶۰٪ کلیه ازدواجها به طلاق کشیده می‌شود)، استعمار جنسی (حدود ۱۰٪ پزشکان، بیماران زن را مورد استعمار جنسی قرار می‌دهند)، فحشاگری رسمی، پخش فیلمها، تصاویر مبتذل به صورت مجاز و...

ارزشی و انسان‌شناختی به مراتب بیشتر از آزادیهای کشورهای غربی است؛

۳- منع قانون کشورهای اسلامی با آزادی و امکان اشباع و عرضه مناسبی همراه است و به همین دلیل باعث فزونی حرص بر مسایل منع شده نمی‌گردد؛ بر خلاف کشورهای غربی که از آزادی ارضای نیاز جنسی برخوردارند اما چون تحریک جنسی در این کشورها به مراتب بیشتر از آزادی ارضا می‌باشد، میزان آزادی ارضا، تناسبی با میزان تحریک جنسی ندارد، بنابراین زمینه ارضای مناسب فراهم نیست؛

۴- کشورهای غربی در عین اینکه مسایلی را ممنوع اعلام کرده‌اند، نتوانستند بار ارزشی منفی به آن ببخشند به همین دلیل، بعضی از مسایل منع شده<sup>۱</sup> از بار اخلاقی مثبت برخوردار است و مردم طبیعتاً به آن رغبت دارند؛ ولی اسلام در جایی که منع قانونی و اخلاقی را ایجاد کرده، بار ارزشی منفی را هم معین نموده است. به همین دلیل منع حقوقی، عدم رغبت اخلاقی را نیز به دنبال دارد.

نتایج مهم این تحقیق دربارهٔ غرب  
با بررسی‌های به عمل آمده از منابع خود دانشمندان غربی، روشن شد که غرب تاکنون نتوانسته راه حل موفقیت‌آمیزی را جهت کنترل روابط و رفتارهای جنسی ارائه دهد؛ حتی در این زمینه نتوانسته است، یک نظام اخلاقی کامل را عرضه نموده و به اجرا بگذارد. این امر باعث افزایش چشمگیر مشکلات و چالش‌های اجتماعی کشورهای غربی شده است، تا بدان حد که مجبور شدند حتی آزادی افراد جوامع خود را سلب نمایند.<sup>۲</sup> اگر جوامع غربی بخواهند مشکلات اجتماعی خود را حل و روابط و رفتارهای جنسی را به طور واقع‌بینانه کنترل کنند، قطعاً نیازمند یک نظام اخلاقی فردی و اجتماعی کارآمد هستند که مصادیق و ریز اعمالی که انسان را به این سعادت نزدیک می‌کند، مشخص نماید و ضمانت اجرایی درونی کارآمد نیز داشته باشد. بدون شک

۱. مانند بی‌وفایی در ازدواج قبل از لغو ممنوعیت قانونی آن.

۲. این مطلب را در اصل تحقیق با اشاره به تلقینات رسانه‌های غربی و وجود فساد علنی در جوامع غربی

می‌توان گفت چنین نظامی اخلاقی بیرون از حوزه مذهب نیست و چه بسا بتوان ادعا نمود که بهترین نمونه یک نظام اخلاقی، نظام اخلاقی اسلام است.<sup>۱</sup>

بنابراین در یک جمع‌بندی کلی نتایج زیر حاصل می‌شود:

**الف) غرب در بعد اخلاق فردی و اجتماعی فاقد یک نظام اخلاقی کامل است<sup>۲</sup> و در**

این زمینه متکی به عرف عمومی است؛<sup>۳</sup>

**ب) در جوامع غربی علاوه بر مفاسدی که در آمار منعکس شده است، مفاسد پنهانی**

فراوانی نیز وجود دارد؛

**ج) غرب اخلاق اجتماعی را تنها به وسیله قوانین حقوقی کنترل می‌کند و این به معنی**

عدم ضمانت اجرائی اخلاقیات اجتماعی است که تقریباً هرگونه توصیه اخلاقی را

بی‌معنی می‌کند؛

**د) نظام حقوقی غرب از پشتیبانی اخلاقی برخوردار نبوده و به همین خاطر به راحتی**

ممکن است اموری از لحاظ حقوقی ممنوع باشد، در عین اینکه اخلاقیات اجتماعی آن

را دارای ارزش اخلاقی مثبت می‌داند؛

**ه) غرب، هم بر اساس معیارهای موجود در فرهنگ خود و هم بر اساس معیارهای**

اسلامی فاقد آزادی جنسی به معنای واقعی کلمه است؛<sup>۴</sup>

**و) غرب برای تنظیم روابط و رفتارهای جنسی، نیازمند یک نظام اخلاقی فردی و**

۱. محمد تقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ۱۳۷۷، ص ۱۰۶.

۲. البته دیدگاه‌های متفکران غربی و اسلامی در این زمینه فرق می‌کند و ارزیابی فوق منعکس‌کننده دیدگاه متفکران اسلامی است.

۳. عرف عمومی نیز ناظر بر افعالی است که به جامعه مربوط می‌گردد و در ظرف اجتماعی تحقق می‌یابد و با ابزاری مانند رسانه‌های گروهی و تلقینات تبلیغاتی قابل هدایت است.

۴. بر اساس آنچه که در قانون اساسی آلمان آمده هر فردی باید در رشد شخصیتی خویش آزاد باشد در صورتی که تلقینات رسانه‌های گروهی و وجود فساد در سطح جامعه، مانع از آن می‌گردد که کودکان به دور از فساد رشد یابند. به علاوه، تلقینات رسانه‌های گروهی غرب، به شدت علیه اسلام تبلیغ و به مردم غرب این دیدگاه را القا می‌کند، که دورترین مکتب از عقلانیت، اسلام است و با این القائات، عملاً مانع از تحقیق افراد درباره اسلام می‌شوند، و آزادی آنها و زیربنای آن را، از بین می‌برند چون افرادی که تحت نفوذ این تبلیغات باشند، دیگر هرگز حاضر نمی‌شوند راجع به اسلام تحقیق نمایند.

اجتماعی کارآمد است.

ز) غرب برای تنظیم روابط و رفتارهای جنسی باید در نظام اجتماعی خود تغییراتی ایجاد کند تا نظامهای اخلاقی و حقوقی پشتوانه همدیگر باشند و الا به مرور زمان، نظام حقوقی کشورهای غربی نیز دچار مشکلات شده و عملاً غیر قابل اجرا خواهد گشت؛  
ح) کشورهای غربی اگر در تجربه‌گرایی خود صادق باشند می‌توانند از تجربه جوامع اسلامی جهت بهبود اوضاع اجتماعی خود استفاده نمایند.

### نتایج حاصل از این تحقیق درباره کشورهای اسلامی

بررسی‌ها و مقایسه‌های انجام شده میان کشورهای اسلامی و غربی نشانگر آن است که مشکلات جوامع اسلامی در زمینه تنظیم روابط و رفتارهای جنسی، بسیار کمتر از مشکلات جوامع غربی است. علت این امر آن است که اسلام از یک سو، یک نظام اخلاقی کامل و کارآمد ارائه داده و از سوی دیگر برای نظام اخلاقی خود، پشتوانه حقوقی و برای نظام حقوقی خود نیز، پشتوانه اخلاقی قرار داده است. به علاوه، اسلام توانسته است آزادی افراد جامعه را به صورت واقعی تأمین نموده و بستر مناسبی را برای رشد آزادانه آنان فراهم نماید. اگر این یافته‌ها را با یافته‌هایی که درباره جوامع غربی بدست آمده مقایسه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که جوامع غربی در زمینه تنظیم روابط و رفتارهای جنسی نمی‌توانند الگوی مثبتی برای جوامع اسلامی باشند؛ چون راهی که آنان در این زمینه در پیش گرفته‌اند، عملاً ناکام مانده و به بن‌بست رسیده است. البته باید به این نکته توجه داشته باشیم که جوامع اسلامی نیز، تاکنون نتوانسته‌اند راهی را که اسلام برای تنظیم روابط و رفتارهای جنسی معین نموده است، به طور کامل در عمل پیاده نمایند و چه بسا، معضلات اجتماعی موجود در جوامع اسلامی، ناشی از همین عدم اجرای کامل دستورات اسلامی باشد.

با در نظر گرفتن همه این یافته‌ها بدین نتیجه می‌رسیم، تنها راه معقول پیش‌روی جوامع اسلامی در جهت کنترل روابط و رفتارهای جنسی، حل مشکلات اجتماعی و

جلوگیری از بروز مشکلات شدیدتر اجرای کامل دستورات اسلامی است نه راهکارهای غربی.

بنابر آنچه گذشت می‌توان نتایج این تحقیق دربارهٔ جوامع اسلامی را اینگونه جمع‌بندی نمود:

**الف)** قوانین در اجرا نیازمند پشتیبانی اخلاقی و ارزشهای اخلاقی متناسبند؛

**ب)** اسلام هم در بعد اخلاق فردی و هم در بعد اخلاق اجتماعی دارای نظام اخلاقی کامل، کارآمد و بسیار روشن است؛<sup>۱</sup>

**ج)** نظام اخلاقی اسلام از پشتیبانی نظام حقوقی و نظام حقوقی اسلام از پشتیبانی اخلاقی برخوردار است؛

**د)** اسلام دارای نظامی است که هم بر اساس معیارهای موجود در فرهنگ خود و هم بر اساس معیارهای موجود در فرهنگ غرب، آزادی جنسی به معنای واقعی را تأمین می‌کند؛

**ه)** مشکلات اجتماعی جوامع اسلامی در بُعد مسایل جنسی، بسیار نگران‌کننده، ولی در مقایسه با جوامع غربی به مراتب کمتر است؛

**و)** برای حل مشکلات اجتماعی و جلوگیری از بروز مشکلات جدید، تنها راهی که معقول به نظر می‌رسد، اجرای کامل دستورهای اسلامی است؛

**ز)** چون نظام حقوقی و اخلاقی دارای تعامل و ارتباط متقابل است، لازم است فرهنگ و اخلاق اسلامی، میان مردم به طور کامل تبلیغ شود تا اسلام بتواند کارایی خود را به بهترین شکل ممکن، به نمایش بگذارد؛

**ح)** کارشناسان امور تربیتی باید سعی کنند، چالشهای جوامع غربی و عوامل به وجود آمدن آن را شناسایی نموده و با ظرافت و باریک بینی از تکرار آن در جوامع اسلامی پیشگیری کنند؛

**ط)** مسئولین محترم امور تربیتی مدارس باید با توجه به گسترش ارتباطات و

۱. در توجیه ناسامانیهای جنسی جوامع اسلامی در مبحث مشکلات و محدودیتهای مقایسه، ص ۱۱۹ مطالبی بیان شده است.

تهاجم فرهنگی موجود علیه جامعه مسلمان ایران، راه صحیحی را جهت آشنا نمودن کودکان و نوجوانان به امور جنسی در پیش گیرند و در این عرصه مجال تخریب را از بیگانگان سلب کنند؛

ی) مسئولین محترم می توانند بر اساس تجربه جوامع غربی دریابند که راه افراط در تنظیم اخلاق جنسی کدام است، تا از پیمودن آن بپرهیزند. با برخورداری از رهنمودهای ارزشمند اسلام در تنظیم امور و اخلاق جنسی، بر همه ماست که روشی برخاسته از این رهنمودها را به جهانیان بشناسانیم تا آنها را از منجلابی که در آن گرفتارند، نجات دهیم. برای این کار لازم است، ابتدا توصیه های اسلامی را در عمل با اجرای دقیق در جامعه اسلامی مان ایران به شکوفایی خود برسانیم تا برای ملت های جهان، الگوی زنده و ارزشمندی را ارائه دهیم؛ در مرحله بعد می توانیم آنان را به سوی همان الگو دعوت کنیم.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- ۱ - آل احمد، جلال. *غرب زدگی*. چاپ - تهران: رواق. ۱۳۴۱.
- ۲ - مصباح یزدی، محمدتقی. *اخلاق در قرآن*، ج ۱. محمدحسین اسکندری (تحقیق و نگارش). چاپ دوم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره). ۱۳۷۷.

### منابع لاتین

1. Baratta, Mario von (et al.). *Der Fischer Wetiaimanch 1996*. Originalausgabe. German: Fischer Taschenbuch Verlag. 1995.
2. Breitling, Gisela. „Pornographie - Kunstzensur - Medien oder ueber eine pornographische Gesellschaft mit beschraenkter Haftung.“ In: *Frauen & Maenner und Pornographie*. Originalausgabe. Frankfurt am Main: Fischer Taschenbuch Verlag. 1990. S. 82 - 89.
3. Heinig, K.E. „Erotische und pornographische Videofilme: eine Marktuebersicht.“ In: *Frauen & Maenner und pornographie*. Originalausgabe. Frankfurt am Main: Fischer Taschenbuch Verlag. 1990.S .90 - 93.
4. Kiwatowski, Gerhard.(et al.).*Meyers Kleines Lexikon Philosophie*.-Mannheim; Wien; Zuerich: Bibliographisches Institut. 1987.
5. Microsoft Corporation und Bibliographisches Institut & F.A. Brockhaus AG. *Lexirom 2.0* (CD). Deutschland: Microsoft Corporation und Bibliographisches Institut & F.A. Brockhaus AG. 1995 - 1996.
6. Rudolphi, Hans - Joachim. „Znm geltenden Strafrecht: Zur Legitimitaet von §§ 131 und 184 StGB. “In: *Frauen & Maenner undpornographie*. Originalausgabe. Frankfurt am Main: Fischer Taschenbuch Verlag.1990. S.



166 - 174.

7. Rutter, Peter. *Verbotene Naeh* (Originaltitel: *Sex in the forbidden zone*. 1989). Uebersetzt von Veronika Ackerberg. - . Deutschland: ECON Verlag. 1991.
8. Schmidt, Renate. „Pornographie - hinsehen oder wegsehen? Rueckblick nach 20 Jahren.“ In: *Frauen & Maenner und pornographie*. Originalausgabe. Frankfurt am Main: Fischer Taschenbuch Verlag. 1990. S. 15 - 22.
9. Senger, Gerti (et al.). *Oesterreich INTIM*. - . Oesterreich: Amatheia Verlag. 1993.
10. Uhse, B. „Bedarf, Beduerfnis, Befruedigung.“ In: *Frauen & Maenner und pornographie*. Originalausgabe. Frankfurt am Main: Fischer Taschenbuch Verlag. 1990. S. 94 - 102.
11. Ulfig, Alexander. *Lexikon der philosophischen Begriffe*. Zweite Auflage. Wiesbaden: Fourier Verlage. 1999.
12. Vogt, Irmgard. „Die Wiederkehr des Verdraengten: Maenner und Macht.“ In: *Verbotenen Naeh*. - . Deutschland: ECON Verlag. 1991. S.245 - 260.

#### پایگاه‌های اینترنت

1. Cziesche, D. (et al.). „13. Shell Jugendstudie - Jugend.“ *Der Spiegel* (Wochenmagazin). Nr. 13/2000.
2. Emcke, C. (et al.). „Die Deutschen VOIK ohne Moral?“. *Der Spiegel* (Wochenmagazin). Nr. 51/1999.
3. **Goetze: Rechtslexikon**. Deutschland: Fisher - Heymanns (<http://www.heymanns.com/html/>)
4. Kochler, A. „Sexuelle Belacstigung am Arbeitsplatz gilt in Japan als ein

- Kavaliersdelikt." **Die presse.** 21/4/1999. (Das Presse - Online Archiv: <http://www.diepresse.at>)
5. Lagler, C. „Kampf gegen Drogen und Prostitution: Erfolg der Salzburger Polizei." **Die presse.** 29/3/2000.
6. Lagler, c. „Studie: Sexuelle Gewalt auch unter Jugendlichen verbreitet - Jede vierte Frau mindestens einmal Opfer einer Vergewaltigung." **Presstext Austria.** 16/12/2000 (<http://www.presstext.austria.at>)
7. Marszk, D. „Viele sehen zu,aber niemand greift helfend ein - Kriminologen untersuchen das <Keiner-hilft-phaenomen>." **Presstext Austria.** 1/8/1998.
8. No Name.„Die Revolution der Beziehungen (1) Fuer eine Demokratisierung der Familie. " **Der Standard.** 14-15/8/1999 (Der Standard Online: (<http://derstandard.at>))
9. No Name „Gruene: Soziale Absicherung fuer Prostituierte." **Die Presse.** 4/12/1998.
10. No Name. „London: Sexueller Missbrauch nimmt zu." **Die Presse.** 19/2/2000.
11. No Name. „Maedchenhandel weitet sich dramatisch aus." **Die Presse.** 21/10/1998.
12. No Name. „Zwei EX-Beamte des Innenministeriums vor Gericht." **Die Presse.** 21/10/1998.
13. Schmidt, HJ „Vom Arbeitsamt direkt ins Freudenhaus." **Die Presse.** 14/3/1998.
14. Titus, Arnu. „Maenner - Die schmuddeln die Briten." **Der Spiegel** (Wochenmagazin). Nr.21/2000.